

تحلیل معناشناختی

«توجه به علم خدا و آثار آن در رفتار انسان»

از دیدگاه آیات و روایات*

- عبدالهادی مسعودی^۱
- عبدالحسین کافی^۲

چکیده

از دیدگاه آیات و روایات، «توجه انسان به علم خدا» آثاری مبارک برای او دارد. در میان این آثار، تأثیرات اخلاقی این موضوع چشمگیرتر به نظر می‌رسد. «توجه به علم خدا»، هم سبب «پرهیز از رذایل» است و هم «آراستگی به فضایل». مقصود از «پرهیز از رذایل»، ترک «گناه، ظلم، هواپرستی و مانند آن» است. تعدادی از مصادیق جزئی‌تر این موضوع در آیات و روایات نام برده شده است؛ مانند: پرهیز از بخل، بدگویی، تهمت، خیانت، خودستایی و ریا. با بررسی آیات و روایات، رابطه میان کلیدواژه‌های این حوزه معنایی، قرار داشتن همه آنها در خویشتن‌داری انسان از گناهان و رذایل است. میان این حوزه معنایی و برخی دیگر از حوزه‌های معنایی، رابطه‌ای نزدیک وجود دارد؛ مانند رابطه «آثار توجه به علم خدا» و «آثار ذکر الله» که عموم و خصوص من وجه است.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۹/۲۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۴/۲۳.

۱. استادیار دانشگاه قرآن و حدیث (h.masoudy@gmail.com).

۲. دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی (نویسنده مسئول) (ahk1378@gmail.com).

واژگان کلیدی: معارف قرآن، معارف حدیث، علم خدا، پرهیز از رذایل، معاشناسی.

مقدمه

«علم»، یکی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین صفات الهی است که در قرآن کریم و روایات مطرح شده است. دانشمندان متأله مسلمان هر یک در حد بضاعت علمی خویش، به بررسی ابعاد گوناگون این موضوع پرداخته‌اند. در این جستار کوشیده‌ایم با تحلیلی اسنادی - کتابخانه‌ای، آثار «توجه به علم خدا» را در زمینه خویشتن‌داری انسان، از دید آیات و روایات بررسی کنیم. رویکرد ما در این پژوهش رویکردی معاشناختی است و بر شیوه ایزوتسو در تحلیل حوزه‌های معنایی (مکتب معاشناسی بن) تأکید کرده‌ایم (در این باره ر.ک: نصرتی، ۱۳۹۰: ۵-۱۷). پیش از بررسی موضوع «توجه به علم خدا و نسبت آن با خویشتن‌داری در انسان» که موضوع اصلی این جستار است، چگونگی علم الهی به انسان و رفتار او باید تبیین شود.

چگونگی علم الهی به انسان و رفتار او

متکلمان، فلاسفه، عرفا و دیگر متألهان مسلمان، هر یک به توضیح چگونگی علم خدا به انسان و رفتارهای او پرداخته‌اند؛ اما آنچه در اینجا مهم می‌نماید، چگونگی بیان قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام در این باره است (ر.ک: قزوینی، ۱۳۸۹: ۲۶۹-۳۰۵). قرآن کریم و روایات معصومان علیهم‌السلام در این باره شیوه‌هایی گوناگون را به کار بسته‌اند (ر.ک: کلینی، ۱۳۹۱: ۲۱۹-۲۴۹). آنچه در اینجا بیان می‌شود، بخشی از این تبیین‌هاست.

الف) آگاهی آفریننده به آفریده

برخی آیات و روایات، راز «علم جامع و کامل خدا به همه مخلوقات» را در «آفرینندگی او» می‌دانند. انسان و رفتار او، تنها گوشه‌ای از گستره آفرینش است. بر پایه این متون، با قطعی بودن آفرینش الهی ممکنات، علم مطلق خداوند به همه اجزای آن‌ها نیازمند اثبات نیست. به دیگر سخن، از دید عقلی بدیهی است که هیچ آفریننده‌ای نمی‌تواند چیزی را بیافریند مگر اینکه به همه ابعاد آن آگاهی داشته باشد. از این رو،

اصل آفرینش، دالّ بر اصل علم آفریننده است؛ هر چه آفریده، دقیق‌تر، ظریف‌تر و عظیم‌تر باشد، دقت، ظرافت و عظمت آفریننده را بیشتر متبلور می‌سازد. با این توضیح کوتاه، شاید بتوان معنای برخی آیات و روایات را بهتر درک کرد:

- «و [اگر] سخن خود را پنهان دارید یا آشکارش نمایید، در حقیقت وی به راز دل‌ها آگاه است» * آیا کسی که آفریده است نمی‌داند؟ با اینکه او خود باریک‌بین آگاه است» (ملک، ۱۳-۱۴؛ نیز برای تقریر فلسفی - کلامی این آیه ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۳۲۱-۳۲۲).

- «زیرا پروردگار تو همان آفرینندهٔ داناست» (حجر/ ۸۶؛ نیز ر.ک: انعام/ ۱۰۱).

بر اساس روایاتی فراوان نیز خداوند اشیا را با علم خویش آفریده و به همهٔ ابعاد آن‌ها کاملاً آگاه است (ر.ک: نهج البلاغه، ۱۳۶۹: خطبهٔ ۱۹۱؛ صدوق، ۱۳۹۸: ۲۹۵، ح ۵؛ مجلسی، ۱۴۱۲: ۵۰/۳، ح ۲۴ و ۴۰۶/۴۷، ح ۱۰؛ کلینی، ۱۳۸۹: ۲۶۷/۵، ح ۴۹؛ طوسی، ۱۴۰۴: ۴۳۰/۲، ح ۳۳۲؛ برای اطلاع بیشتر ر.ک: محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۵: ۳۶/۶-۴۱ و ۳۳۰-۳۶۷؛ ۱۸۲/۴-۴۰۳، به ویژه ۲۱۴-۲۷۱).

ب) قُرْب و مَعِيَّت

بسیاری از آیات و روایات دلالت دارند که خدا همراه انسان و از هر کس به وی نزدیک‌تر است و به همهٔ رفتارها و حتی خطورات قلبی وی آگاهی دارد. در بسیاری از این متون، این معنا با استفاده از مشتقات مادهٔ «قُرْب» و حرف «مَع» تبیین شده است:

- «و ما انسان را آفریده‌ایم و می‌دانیم که نفس او چه وسوسه‌ای به او می‌کند و ما از شاهرگ [او] به او نزدیک‌تریم» (ق/ ۱۶).

- «اوست آن کس که آسمان‌ها و زمین را در شش هنگام آفرید. آنگاه بر عرش استیلا یافت. آنچه در زمین درآید و آنچه از آن برآید و آنچه از آسمان فرود آید و آنچه در آن بالا رود [همه را] می‌داند و هر کجا باشید او با شماست و خدا به هر چه می‌کنید، بیناست» (حدید/ ۴).

- «آیا ندانسته‌ای که خدا آنچه را در آسمان‌ها و آنچه را در زمین است، می‌داند؟ هیچ راز گویی میان سه تن نیست مگر اینکه او چهارمین آن‌هاست و نه میان پنج تن مگر اینکه او ششمین آن‌هاست و نه کمتر از این [عدد] و نه بیشتر، مگر اینکه هر کجا باشند او با آن‌هاست. آنگاه روز قیامت آنان را به آنچه کرده‌اند، آگاه خواهد

گردانید؛ زیرا خدا به هر چیزی داناست» (مجادله/ ۷).

- [کارهای ناروای خود را] از مردم پنهان می‌دارند، و [لی نمی‌توانند] از خدا پنهان دارند و چون شبانگاه به چاره‌اندیشی می‌پردازند و سخنانی می‌گویند که وی [بدان] خشنود نیست، او با آنان است و خدا به آنچه انجام می‌دهند، همواره احاطه دارد» (نساء/ ۱۰۸؛ نیز ر.ک: یونس/ ۶۴).

افزون بر آنچه گذشت، آیات و روایات بسیاری با تعبیرات گوناگون، بیانگر علم فراگیر الهی نسبت به انسان و رفتار اوست؛ مانند متونی که با تعبیرات متنوع، خدا را «شاهد» و «شهید» (گواه) بر اعمال انسان معرفی می‌کنند (ر.ک: محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۵: ۲۵۰/۶؛ جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۳۲۳-۳۲۴) و یا خدا را «محیط بر انسان، رفتار و خطورات قلبی وی» می‌دانند (ر.ک: محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۵: ۹۲/۷-۱۱۷).

اگر صفت علم الهی در کانون توجه انسان قرار گیرد، آموزه «توجه به علم خدا» در ذهن شکل می‌گیرد. «توجه به علم خدا» فواید و آثاری اعتقادی، فقهی، اخلاقی و... برای انسان دارد (ر.ک: همان: ۱۰۰/۲۱-۱۰۶). در این میان، آثار اخلاقی گسترده‌تر به نظر می‌رسند. این آثار به دو دسته کلی تقسیم‌پذیرند: پرهیز از رذایل؛ روی آوردن به فضایل. جستار حاضر، آثار «توجه به علم خدا» را بر حوزه نخست برمی‌رسد.

پرهیز از رذایل؛ جامع آثار علم به خدا

در بررسی نخست، ذهن از مجموعه آثار «توجه به علم خدا»، مفهومی کلی انتزاع می‌کند. این مفهوم، «پرهیز از رذایل» است که پرهیز از گناه، ظلم، هواپرستی، ریا، خودستایی، خیانت، تهمت، بدگویی، بخل، مصادیق آن را شکل می‌دهند. در این چشم‌انداز، هیچ رابطه‌ای میان مصادیق به ذهن نمی‌رسد و همه آنها در یک مرتبه قرار می‌گیرند، اما در ادامه، متون به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته‌ای که به طور کلی از گناه نهی می‌کنند و دسته‌ای دیگر که از مصادیق گناه و رذایل باز می‌دارند. شاید به طور کلی بتوان گفت که بهترین اثر توجه به علم الهی، پرهیز از رذایل است، گرچه رذایل نیز مراتبی دارند. از دیدگاه قرآن، توجه به علم خدا سبب می‌شود تا انسان مؤمن: الف- دست از خیانت بردارد و نقشه‌های ناروا به ضرر مسلمانان

نکشد (ر.ک: نساء/ ۱۰۷-۱۰۸)؛ ب- به سوی گناه نرود (ر.ک: توبه/ ۱۰۵)؛ ج- شیوع زشتی‌ها را در میان مؤمنان دوست ندارد (و به اشاعه آن‌ها نمی‌پردازد) (ر.ک: نور/ ۱۹)؛ د- اگر برای ورود به اماکنی غیر مسکونی (مانند حمام‌ها، کاروان‌سراها و آسیاب‌ها) بدون اذن، اجازه داده شود، می‌داند که در این اماکن نباید به عصیان پروردگار پردازد (ر.ک: نور/ ۲۹)؛ ه- مطیع فرمان خدا خواهد بود و به هنگام دعوت پیامبر برای جهاد، سوگند دروغ در مطیع بودن برای آن حضرت یاد نمی‌کند (ر.ک: نور/ ۵۳)؛ و- در مقابل امر پیامبر عصیان نمی‌کند (ر.ک: نور/ ۶۳-۶۴).

در برخی آیات بر این مطلب تأکید شده است که خدا نگاه‌های دزدانه و آنچه را دل‌ها پنهان می‌دارند، می‌داند و از این رو، ستمکاران باید دست از ظلم بردارند (ر.ک: غافر/ ۱۸-۱۹؛ نیز: فاطر/ ۳۷-۳۸). شاید بتوان ظلم را هم یکی از مصادیق ردیلت دانست و بر متحد بودن اثر علم الهی در «پرهیز از ردایلت» تأکید مجدد کرد. به عبارت دیگر، «ظلم» یکی از جانشین‌های معنایی ردایلت در آیات این موضوع به‌شمار می‌رود (دربارۀ رابطه جانشینی^۱ ر.ک: نصرتی، ۱۳۹۰: ۱۲-۱۶).

در آیه‌ای دیگر، به این نکته تصریح شده است که خدا به آنچه انسان‌ها انجام می‌دهند، آگاه است. از این رو، از هواپرستی در ادای شهادت نهی شده است (ر.ک: نساء/ ۱۳۵). هواپرستی در ادای شهادت نیز یکی از مصادیق گناه است. از این رو، می‌توان آن را از دیدگاه معناشناختی، یکی از جانشین‌های ردیلت دانست.

روایات نیز بر مضمون این آیات تأکید دارند. در حدیثی رضوی بر این نکته تصریح شده است که گاه انسان‌ها گناهی می‌کنند که از دیگران پنهان است و اگر اقرار به خدا و ترس از او در خلوت نباشد، هیچ کس از انجام گناهان بزرگ نخواهد هراسید و در چنین حالتی، همه مردم رو به نابودی خواهند گذاشت. بنابراین زندگی و صلاح انسان‌ها فرادست نخواهد آمد جز اینکه به خدایی آگاه و دانا - که پنهان و پنهان‌تر از آن را می‌داند، به نیکی امر و از زشتی نهی می‌کند و هیچ چیز بر او پوشیده نیست - اقرار شود و این خود، عامل بازدارنده انسان‌ها از ارتکاب هرگونه فساد است (ر.ک: صدوق، ۱۴۰۴:

1. Paradigmatic relation.

۹۹/۲، ح ۱؛ همو، ۱۴۰۸: ۲۵۲، ح ۹؛ مجلسی، ۱۴۱۲: ۱۰/۳، ح ۲۳). امروز، مصداق سخن امام رضا علیه السلام را در برخی جوامع غربی به خوبی می‌یابیم. هنگامی که در این جوامع مراقبت نیروهای امنیتی کاهش می‌یابد، میزان جرم و جنایت، افزایش پیدا می‌کند.^۱

نیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

هر کس خدا را بشناسد و عظمتش را دریابد، دهانش را از سخن و شکمش را از غذا پاس می‌دارد و با روزه و نماز، خویشتن‌داری می‌کند (کلینی، ۱۳۸۹: ۲۳۷/۲، ح ۲۵؛ صدوق، ۱۴۰۰: ۳۸۰، ح ۴۸۲).

همچنین امام علی علیه السلام فرمود:

کسی که [خدا را] شناخت، [از انجام گناهان] باز ایستاد (ر.ک: نهج البلاغه، ۱۳۶۹: خطبه ۱۹۸؛ مجلسی، ۱۴۱۲: ۹۲/۴، ح ۴۴).

بنابراین گرچه آثار «توجه به علم خدا» با تعبیرهایی نظیر «پرهیز از گناه، ظلم و هواپرستی» در آیات و روایات بیان گردیده است، شاید بتوان جامع این آثار را «پرهیز از رذایل» دانست.

تأکید بر موارد خاص

افزون بر تأثیر کلی توجه به علم خدا در ترک رذایل، در برخی آیات و روایات، بر تأثیر آن در خصوص ترک برخی از رذایل اخلاقی همچون بخل، بدگویی، تهمت، خیانت، خودستایی و ریا تصریح شده است:

پرهیز از بخل

خداوند متعال در آیه ۱۸۰ سوره آل عمران، به کسانی که بخل می‌ورزند، هشدار می‌دهد که گمان نکنند بخل، برای آنان بهتر است، بلکه برای آن‌ها بدتر است و خدا به کار آنان آگاه است. تصریح و تأکید بر آگاهی خداوند بر اعمال بخیلان، از آن روست که اگر آنان به علم خدا به کرده خویش توجه داشته باشند، باید از بخل دست بردارند.

1. < <http://www.parset.com/news/shownews.aspx?code=1009414>; <http://rt.com/usa/news/authorities-sandy-storm-philadelphia-597> > .

روایات نیز بیانگر همین مضمون هستند. کسی که خدا را آگاه به انفاق خویش بداند و او را توانا بر پاداش دهی و جایگزینی مال انفاق شده خویش بداند، بخل را رها می کند و به سخاوت رو می آورد.^۱ همچنین تعدادی دیگر از روایات، تصریح دارند که یکی از بسترهای مهم «بخل»، «سوء ظن به خدا» است؛ زیرا کسی که خدا را ناظر بر انفاق خویش نبیند و یا اگر ناظر می بیند در قدرت او شک کند و یا اگر ناظر و قادر می بیند، در وفای او به وعده هایش تردید ورزد، از انفاق و جود روی برمی تابد و بخل می ورزد (ر.ک: محمدی ری شهری، ۱۳۹۰: ۱۵۶/۷-۱۵۷، ح ۷۸۶۴-۷۸۷۱). این دو دسته از روایات، دو روی یک مطلب را بازگو کرده اند. دسته ای به تأثیر «اعتقاد انسان به علم خدا به اعمال نیک انسان» در پرهیز از بخل پرداخته و دسته ای دیگر به تأثیر «بی اعتقادی به علم، قدرت و وفاداری خداوند به وعده های خود» در روی آوردن به بخل توجه کرده اند.

پرهیز از بدگویی

بدگویی از مؤمنان، یکی از گناهان کبیره است که خدا دوست ندارد (ر.ک: نساء/ ۱۴۸). در مذمت بدگویی که در غیبت نمود می یابد، آیات و روایات فراوان وجود دارد. با وجود این، غیبت در برخی موارد جایز است؛ مانند اینکه به شخصی ظلم شده است. در این صورت، وی مجاز است برای رفع ظلم از خود، از ظالم بدگویی کند، اما باید بداند که خدا سخن او را می شنود و به عملکرد او آگاه است (ر.ک: نساء/ ۱۴۸). از این رو، روا نیست همه بدی های ظالم را بیان کند، بلکه باید در این کار، از ظلمی که بر او رفته است، سخن گوید تا حق خود را بستاند و تجاوز از آن جایز نیست (ر.ک: عاملی جبعی، ۱۳۹۰: ۳۳؛ مجلسی، ۱۳۷۰: ۴۱۹/۱۰-۴۲۹؛ همو، ۱۴۱۲: ۲۳۱/۷۲-۲۴۰). چنین مظلومی اگر به شنوا و دانا بودن خدای تعالی توجه کند، تعدی از حدی را که شرع اجازه داده است، بر خود روا نمی داند. روایات متعدد نیز مضمون این آیه را تأیید می کنند (ر.ک: عروسی حویزی، ۱۴۱۲: ۵۶۸/۱).

۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «من أيقن بالخلف سَخَتْ نَفْسُهُ بِالنَّفَقَةِ» (کلینی، ۱۳۸۹: ۴۳/۴، ح ۳؛ صدوق، ۱۴۰۴: ۶۲/۲، ح ۱۷۱۲؛ همو، ۱۴۱۰: ۶۱۹، ح ۱۰).

پرهیز از تهمت

تهمت، یکی از گناهان بزرگ است (ر.ک: کلینی، ۱۳۸۹: ۲/۲۸۵-۲۸۶، ح ۲۴). رسول خدا ﷺ اسامه بن زید را به سوی قبیله‌ای از یهود فرستاد تا آنان را به اسلام دعوت کند. در آن منطقه، مردی به نام مرداس بن نهیک فدکی در حال گفتن شهادتین، به طرف اسامه آمد. اسامه با اینکه شهادت او را می‌شنید، او را کشت. هنگامی که به حضور رسول خدا ﷺ رسید، ماجرا را توضیح داد. رسول خدا او را به شدت سرزنش کرد (ر.ک: قمی، ۱۳۶۷: ۱/۱۴۹) و این آیه نازل شد:^۱

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون در راه خدا [برای کارزار] بیرون روید، نیک بنگرید و واری کنید و به آن کسی که به شما سلام [یا پیشنهاد صلح] کند، مگویید تو مؤمن نیستی در حالی که [با این دستاویز] کالای زندگی دنیا می‌جوئید، [و اگر این را می‌خواهید] پس نزد خدا غنیمت‌های بسیار است. شما پیش از این چنین بودید و خدا بر شما [به راهنمایی به اسلام] منت نهاد، پس نیک بنگرید و واری کنید که خداوند بدانچه می‌کنید، آگاه است (نساء/۹۴).

جمله پایانی آیه (خداوند بدانچه می‌کنید، آگاه است)، مؤمنان را هشدار می‌دهد که باید خدا را شنوا و دانا به گفتار و رفتار خویش بدانند و برای غنیمت جنگی یا به دلیل کینه‌های جاهلی به انسان مؤمن، تهمت بی‌ایمانی نزنند (ر.ک: رازی، ۱۴۲۰: ۱۱/۱۹۰). در آیه ۱۰۷ و ۱۰۸ سوره نساء نیز خداوند مؤمنان را بر پرهیز از تهمت برمی‌انگیزد. این دو آیه، در مورد بعد (پرهیز از خیانت)، بررسی خواهند شد.

روایات نیز بر این نکته تأکید دارند که مؤمنان باید بدانند که خدا به اعمال آنان آگاه است، از این رو باید از تهمت زدن پرهیزند. امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود:
ای مردم! هر کس برادر خود را به استواری دین و درستی راه شناخت، هرگز به گفته‌های مردم درباره او گوش نپرداز. زنهار که گاه، تیرانداز تیر می‌افکند و تیرهایش به خطا می‌رود و بسی سخن که خلاف حقیقت است. گفتار باطل، تباه است و خداوند شنوا و گواه (نهج البلاغه، ۱۳۶۹: خطبه ۱۴۱؛ مجلسی، ۱۴۱۲: ۷۵/۱۹۷، ح ۱۶).

۱. شأن نزول دیگری هم درباره یکی دیگر از صحابه، در ذیل این آیه نقل شده است (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲: ۴/الجزء ۲۲۲/۵؛ طبرسی، ۱۴۰۸: ۳/۱۴۵).

پرهیز از خیانت

خیانت نیز از گناهان بزرگ است و اگر خائن بداند که خدای متعال بر اعمال او احاطه دارد، از خیانت دست برمی دارد. چند نفر از انصار، مقداری غذا و شمشیر و زره دزدیدند و سرقت خود را به یکی از مسلمانان نسبت دادند (ر.ک: قمی، ۱۳۶۷: ۱۵۰/۱-۱۵۱). قرآن کریم کار آنان را خیانت نام نهاد و آنان را سرزنش کرد که سخنان ناپسند شبانه خویش را از مردمان پنهان داشتند، در حالی که توان پنهان کردن آن را از خدا که با آنان است، ندارند. در پایان، بر این مطلب تأکید می کند که خدا به آنچه می کنند، احاطه دارد (ر.ک: نساء/ ۱۰۷-۱۰۸). طبرسی در ذیل این آیات می نویسد:

در این آیات سرزنش بسیار است برای کسی که شرم و حیا از مردم، او را از انجام کارهای زشت باز می دارد، اما ترس از خدا او را از انجام این امور باز نمی دارد، در حالی که خدا سزاوارتر است که مد نظر باشد و [از نافرمانی او] حذر شود. همچنین، این آیات کسی را که کار زشتی انجام دهد و آن را به دیگری -چه مسلمان و چه کافر- نسبت دهد، تویخ می کند (۱۴۰۸: ۱۶۴/۳).

خداوند در سوره غافر پس از آنکه پیامبرش را مأمور می سازد تا مکلفان را از روز قیامت بترساند، در آیه ۱۹ به آنان گوشزد می کند که «خدا خیانت چشم‌ها و آنچه را سینه‌ها در خود پنهان می دارند، می داند» تا همه مکلفان، به ویژه گناهکاران، بدانند که خداوند حتی نگاه‌های خیانت‌بار و حتی کفر، نفاق و دیگر گناهان پشت پرده را می داند تا چه رسد به بقیه اعمال (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۳: ۱۷/۱۷). فخر رازی در مقام تبیین آیه فوق می گوید:

مقصود آیه این است که خدای سبحان، دانایی است که ذره‌ای در آسمان‌ها و زمین از علم او پنهان نیست. از آنجا که این آیه در سیاق آیات مربوط به صحنه قیامت و محاکمه انسان‌هاست، اگر حاکم دادگاه، آگاهی‌اش درباره کارهای متهم و مجرم به این حد از وضوح رسیده باشد، ترس گنهکار بسیار شدید خواهد بود (ر.ک: رازی، ۱۴۲۰: ۲۷/۵۰۵).

به دیگر سخن، اگر انسان‌ها یقین پیدا کنند که خدا تا این حد بر اعمال آن‌ها آگاهی و نظارت دارد، امید بیشتری می رود تا از ارتکاب گناهان دست بکشند.

گویی رازی در سخن خود وام‌دار امیرالمؤمنین علیه السلام است که فرمود:

از معاصی خدا در تنهایی‌ها [ی خود] پرهیزید؛ زیرا آنکه شاهد است [یعنی خداوند]، همو داور است (نهج البلاغه، ۱۳۶۹: حکمت ۳۳۴).

پرهیز از خودستایی

خودستایی، کاری ناپسند است (ر.ک: عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۱۶۵/۵). خدای متعال پس از اشاره به آگاهی اش نسبت به انسان‌ها از همان بدو خلقت می‌فرماید: ﴿فَلَا تُزَكُّوْا اَنْفُسَكُمْ هُوَ اَعْلَمُ بِمَنْ اَتَقَى﴾ (نجم / ۳۲)؛ پس خود را مستایید که او داناتر است به آنکه پرهیزگاری کرده است. به عبارت دیگر، اگر مؤمنان بدانند که خدای تعالی به هنگام آفرینش خاکی و جنینی اینان از خود ایشان آگاه‌تر بوده است، یارای نافرمانی او را نخواهند یافت تا چه رسد که خود را بستایند و از بدی‌ها پیراسته بدانند؛ زیرا خداوند به کسی که تقوا پیشه کند، داناتر است.

روایات پیشوایان معصوم نیز که جوشیده از چشمه‌سار قرآن هستند، بر این نکته انگشت می‌نهند که کسی که توجه داشته باشد که خدا اعمال نیک و بد او را می‌داند، جایی برای خودستایی خویش نمی‌بیند و جز در موارد خاص و مجاز، به ستایش خویش نمی‌پردازد (ر.ک: حرانی، ۱۴۰۴: ۳۷۴؛ صدوق، ۱۴۰۰: ۱۸۱، ح ۴). بر اساس روایات، مؤمن از آنجا که می‌داند خدا بر اعمال او آگاه است، از ستایش‌های دیگران در حق خود شاد نمی‌شود، بلکه از این کار جلوگیری می‌کند و در صدد برمی‌آید تا تکالیف خویش را در محضر الهی ادا کند (نهج البلاغه، ۱۳۶۹: خطبه ۲۱۶). از آنجا که آگاهی او به خطاهای خود بیشتر است، به هنگام ثناگویی دیگران، از خدا می‌خواهد که او را مدد رساند تا برتر از گمان آنان باشد و از خطاهای خویش در بارگاه الهی، آمرزش می‌طلبد. امام علی علیه السلام هنگامی که عده‌ای او را ستودند، فرمود:

خدایا! تو مرا بهتر از خودم می‌شناسی و من خودم را بهتر از آنان می‌شناسم. خدایا ما را بهتر از آن چیزی قرار ده که آنان گمان می‌کنند و آنچه را هم که درباره ما نمی‌دانند، بر ما ببخشی (همان: حکمت ۱۰۰؛ نیز ر.ک: همان، خطبه ۱۹۳؛ حرانی، ۱۴۰۴: ۱۲؛ برای روایات بیشتر درباره ستایش و خودستایی ر.ک: محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۵: ۲۸۶۰/۴-۲۸۶۵).

پرهیز از ریا

ریاکاری، یکی از کارهای ناپسند است. ریاکار از آن رو که گمان می‌کند واقعیت عمل او بر خدا پنهان است یا به آگاهی خدا توجه ندارد، در صدد برمی‌آید تا خود و رفتارش را برای انسان‌ها بهتر جلوه دهد، در حالی که اگر در این موضوع بیندیشد، خواهد دانست که همهٔ امور در دست خداست؛ او به همه چیز کاملاً آگاه است و بر پاداش دادن در برابر آن، توانا. غیر او از خود هیچ ندارند؛ اگر خدا نخواهد، هیچ یک از انسان‌ها، توان سودرسانی به آدمی را ندارند و اگر به خطا به او خوش گمان شوند و سودی برسانند، کم‌ارزش و ناپایدار خواهد بود. قرآن کریم در آیهٔ ۲۶۴ سورهٔ بقره و آیات پس از آن به مقایسهٔ دو گونه رفتار در انفاق و کمک مالی به نیازمندان پرداخته است. نخست، دسته‌ای از افراد، مانند ریاکاران را بیان می‌کند که چون انفاق خویش را برای خدا انجام نمی‌دهند، با منت نهادن بر نیازمند و آزار او، آن را نابود می‌کنند. تمثیل قرآن برای تبیین این موضوع، خواندنی است. دستهٔ دوم، کسانی‌اند که اموال خویش را برای رضای خدا انفاق می‌کنند و نیت خالصانهٔ خویش را از ریا و مانند آن، دور می‌دارند (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۳: ۲/۲۹۰). قرآن کریم صدقه‌های این دسته را به باغی تشبیه کرده است که بر فراز پشته‌ای قرار دارد که اگر رگباری به آن برسد، دو چندان محصول می‌دهد و اگر رگباری هم به آن نرسد، نم بارانی برای آن بس است. سپس خداوند بر این نکته تأکید می‌کند که خدا به آنچه انجام می‌دهید، بیناست:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صدقه‌های خود را با منت و آزار، باطل مکنید؛ مانند کسی که مالش را برای خودنمایی به مردم، انفاق می‌کند و به خدا و روز بازپسین ایمان ندارد. پس مثل او همچون مثل سنگ خارایی است که بر روی آن، خاکی [نشسته] است و رگباری به آن رسیده و آن [سنگ] را سخت و صاف بر جای نهاده است. آنان [ریاکاران] نیز از آنچه به دست آورده‌اند، بهره‌ای نمی‌برند و خداوند، گروه کافران را هدایت نمی‌کند* و مثل [صدقات] کسانی که اموال خویش را برای طلب خشنودی خدا و استواری روحشان انفاق می‌کنند، همچون مثل باغی است که بر فراز پشته‌ای قرار دارد [که اگر] رگباری به آن برسد، دو چندان محصول برآورد و اگر رگباری هم به آن نرسد، باران ریزی [برای آن بس است]، و خداوند به آنچه انجام می‌دهید، بیناست (بقره/ ۲۶۴-۲۶۵).

از جمله پایانی آیه اخیر می‌توان دریافت که کسی که آگاهی کامل خدا را بر انفاق و اعمال خویش باور کند، آن را با کارهای ناشایست مانند منت نهادن، اذیت کردن و ریا آلوده نمی‌سازد. تأکید بر آگاهی و احاطه علمی خدا بر رفتار انسان در پایان آیه ۲۶۸ سوره بقره نیز دیده می‌شود (نیز ر.ک: انفال / ۴۷؛ رازی، ۱۴۲۰: ۱۵/۴۹۱).

در بسیاری از روایات معصومان علیهم‌السلام در این باره، آمده است که مؤمن نباید به مردم نشان دهد که از خدا می‌ترسد تا او را گرامی بدانند، در حالی که در درون پر از گناه است.^۱ ناآگاهی مردم از اعمال نیک بنده‌ای که خدا او را به نیکی می‌شناسد، نباید برایش اهمیت داشته باشد.^۲ رستگاری در این است که عبادت تنها برای خدا باشد، نه خودنمایی به مردم (ر.ک: وزام بن ابی‌فراس، ۱۳۷۶: ۱/۱۸۶؛ صدوق، ۱۴۰۰: ۴۶۶، ح ۲۲). شرک در عبادت مؤمن جایی ندارد. یکی از مصادیق شرک این است که هدف از عبادت، ستایش مردم یا شنیدن آنان باشد (ر.ک: کلینی، ۱۳۸۹: ۲/۲۹۴، ح ۴؛ قمی، ۱۳۶۷: ۲/۴۷؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ۳۵۲/۲). یکی از اوصاف مؤمن این است که اعمال خیرش ریاکارانه نیست (ر.ک: ابن طلحه شافعی، ۱۴۲۰: ۵۳). مؤمن باید همیشه خدا را ناظر بر اعمال خویش ببیند و اگر چنین کند از گناه پرهیز خواهد کرد. اگر کسی کاری را برای غیر خدا انجام دهد و در برابر آن عمل، از خدا ثواب طلب کند، چنین کسی ناینیاست (ر.ک: صدوق، ۱۴۰۰: ۳۲۲، ح ۴)؛ زیرا هم کورکورانه اعمال خویش را برای غیر خدا انجام داده است و هم در درخواست ثواب عملی که برای غیر خدا انجام داده، روبرو او آورده است؛ از این رو، بهشت در زبانی نمادین می‌گوید:

من بر هر بخیل و ریاکاری حرامم (ر.ک: مجلسی، ۱۴۱۲: ۷۲/۳۰۵، ح ۵۲؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۵: ۲/۱۰۱۵-۱۰۲۲).

آنچه گذشت، بررسی نتایج سلبی توجه نداشتن به «علم خدا به انسان و رفتارهای او» بود. در نقطه مقابل، می‌توان موضوع را به گونه‌ای دیگر نگریست، بدین معنا که «توجه به علم خدا» مایه روی آوردن به فضایل می‌شود. این فضایل نیز همانند ردایل به دو

۱. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: «یا أبا ذرٍّ، اتق الله ولا تر الناس أنك تخشى الله فيكرموك وقلبك فاجر» (نوری، ۱۴۰۸: ۱۰۹/۱، ح ۱۱۱)؛ نیز ر.ک: نهج البلاغه، ۱۳۶۹: حکمت ۲۷۶ و خطبه ۳۲؛ کلینی، ۱۳۸۹: ۲/۲۹۵، ح ۷).
 ۲. امام صادق علیه‌السلام: «... ما علی عبد إذا عرفه الله ألا يعرفه الناس...» (نوری، ۱۴۰۸: ۱/۱۰۶، ح ۱۰۶).

گروه بخش پذیرند: پاره‌ای آثار کلی‌اند مانند اینکه «توجه به علم خدا»، سبب می‌شود تا انسان به «اطاعت فرامین الهی» توجه ویژه داشته باشد (ر.ک: نور/ ۵۳؛ حجرات/ ۱).

پاره‌ای دیگر، آثار جزئی‌اند؛ مانند اینکه «توجه به علم خدا» مؤمنان را به «انفاق به نیازمندان» تشویق خواهد کرد (ر.ک: بقره/ ۲۷۳؛ آل عمران/ ۹۲)؛ (برای اطلاع بیشتر دربارهٔ دسته دوم (روی آوردن به فضایل) ر.ک: هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۹: ۱۰۰/۲۱-۱۰۶).

نسبت درونی موارد این حوزه معنایی

گرچه جامع آثار توجه به علم الهی، پرهیز از گناهان است، همان‌گونه که گذشت، قرآن کریم و روایات معصومان علیهم‌السلام مواردی متعدد از مصادیق گناهان و رذایل اخلاقی را برشمرده‌اند که اگر در این موارد به علم الهی توجه شود، انسان از انجام آن دست خواهد شست. آنچه در اینجا مهم می‌نماید، این است که آیا موارد این حوزه‌های معنایی با هم نسبتی دارند یا نه؟ همهٔ این آثار و حوزه‌های معنایی در ذیل «پرهیز از رذایل» می‌گنجند. گفتنی است که گناهان، مراتب دارند و مصادیق مذکور در آیات و روایاتی که گذشت، هر یک در مرتبهٔ خاص خود قرار می‌گیرند؛ مثلاً «خودستایی»، در حد «تهمت و خیانت» نیست. همچنین مصادیق هر یک از رذایل نیز مراتب گوناگون دارند و به اصطلاح، «مقول به تشکیک» هستند؛ برای نمونه، همهٔ خیانت‌ها در یک مرتبه جای ندارند، برخی از برخی دیگر، زشت‌تر و شدیدترند.

۱. «وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ آيْمَانِهِمْ لَئِنْ أَمَرْتَهُمْ لَيَخْرُجُنَّ قُلْ لَا تُقْسِمُوا طَاعَةٌ مَّفْرُوقَةٌ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»؛ و با قسم‌های سخت خود به خدا سوگند یاد کردند که اگر به آنان فرمان دهی، بی‌شک [برای جهاد] بیرون خواهند آمد. بگو: «سوگند محورید. اطاعتی پسندیده [بتر است] که خدا به آنچه می‌کنید داناست».

۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّ بَدَىٰ إِلَهُكُمْ وَسُوبَةَ وَأَتَقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در برابر خدا و پیامبرش [در هیچ کاری] پیشی مجوید و از خدا پروا بدارید که خدا شنوای داناست.

۳. «الْفُقَرَاءُ الَّذِينَ أَحْضَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْيَاءً مِنَ التَّغَفُّبِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِحْفَافًا وَمَا تَنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ»؛ [این صدقات] برای آن [دسته از] نیازمندانی است که در راه خدا فرومانده‌اند و نمی‌توانند [برای تأمین هزینه زندگی] در زمین سفر کنند. از شدت خویشتن‌داری، فرد بی‌اطلاع، آنان را توانگر می‌پندارد. آن‌ها را از سیمایشان می‌شناسی. با اصرار، [چیزی] از مردم نمی‌خواهند و هر مالی [به آنان] انفاق کنید، قطعاً خدا از آن آگاه است.

۴. «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا أَحْبَبْتُمْ وَمَا تَنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ»؛ هرگز به نیکو کاری نخواهید رسید تا از آنچه دوست دارید انفاق کنید و از هر چه انفاق کنید قطعاً خدا بدان داناست.

نسبت این حوزه معنایی با دیگر حوزه‌های معنایی

گرچه این موضوع، مبتنی بر بررسی دیگر حوزه‌های معنایی مرتبط با این حوزه معنایی و سپس سنجش نسبت این حوزه معنایی با آن‌هاست که پژوهشی مستقل را می‌طلبد، می‌توان به برخی حوزه‌های معنایی مرتبط‌تر با این حوزه اشاره داشت. یکی از این حوزه‌ها، حوزه معنایی «آثار یاد خدا» است (ر.ک: محمدی ری‌شهری، ۱۴۲۸: ۱/۱۲۱-۱۵۴). نتایج دقت در متون این دو حوزه معنایی چنین است: الف. «توجه به علم خدا» با «یاد او»، یکسان نیستند و هر یک ویژگی‌های خود را دارند. ب. همان‌گونه که «توجه به علم خدا» آثار مثبت فراوانی دارد، «ذکر خدا» نیز بر اساس آیات و روایات چنین است. ج. نسبت آثار این دو (توجه به علم خدا و یاد خدا)، عموم و خصوص من وجه است؛ یعنی تعدادی از آن‌ها مشترکند و هر یک از آن دو نیز آثار ویژه خود را دارند؛ برای نمونه، «مصونیت از اشتباه» (ر.ک: ابن فهد حلّی، ۱۴۱۰: ۲۳۵)، یکی از آثار ذکر خداست که می‌توان آن را بسیار نزدیک با برخی آثار «توجه به علم خدا» دانست که در این جستار بیان شد.

نتیجه‌گیری

۱. «توجه به آگاهی خدا» نسبت به رفتار انسان، تأثیری فراوان در پرهیز انسان از بدی‌ها و توجه او به انجام کارهای خوب خواهد داشت. شاید یکی از رازهای تأکید فراوان در قرآن کریم و روایات بر «علم خدا به سراسر جهان و رفتارهای خرد و کلان انسان»، تأثیر اخلاقی این موضوع باشد. البته بررسی آثار کمی و کیفی دقیق «علم خدا به همه جهان و به طور ویژه به رفتار انسان»، پژوهش‌هایی ژرف‌تر در آیات و روایات را می‌طلبد. همچنین سنجش تجربی هر یک از این موارد نیز نیازمند تحقیق‌های میدانی خاص است تا تأثیر کمی و کیفی آن‌ها در مقام عمل نیز سنجیده شود.
۲. در میان آثار توجه به علم خدا در آیات و روایات، ارتباط معناداری به چشم می‌خورد؛ چه همه این آثار، در «پرهیز از گناه و رذیلت» مشترکند.
۳. نسبت این حوزه معنایی (آثار علم خدا) با دیگر حوزه‌های معنایی، شایان بررسی است و با وجود فواید فراوان آن، پژوهشی دشوار و پیچیده می‌نماید.

کتاب شناسی

۱. نهج البلاغه، جمع آوری شریف رضی، تحقیق سید کاظم محمدی و محمد دشتی، چاپ دوم، قم، انتشارات الامام علی (علیه السلام)، ۱۳۶۹ ش.
۲. ابن طلحه شافعی، کمال الدین محمد، مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول، قم، مکتبه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۲۰ ق.
۳. ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، عمدة الداعی و نجاح الساعی، تحقیق احمد موحدی، تهران، مکتبه وجدانی، ۱۴۱۰ ق.
۴. جوادی آملی، عبدالله، توحید در قرآن، قم، اسراء، ۱۳۸۵ ش.
۵. حرانی، حسن بن علی بن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول (علیهم السلام)، تحقیق علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۶. رازی، فخرالدین محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۷. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، الامالی، چاپ پنجم، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۰۰ ق.
۸. همو، التوحید، تحقیق سیدهاشم حسینی طهرانی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۹۸ ق.
۹. همو، الخصال، تحقیق علی کبر غفاری، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۱۰ ق.
۱۰. همو، علل الشرائع، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.
۱۱. همو، من لا یحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۱۲. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، اسماعیلیان، ۱۳۹۳ ق.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی و سیدفضل الله یزدی طباطبائی، چاپ دوم، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۸ ق.
۱۴. طبری، محمد بن جریر، تفسیر الطبری (جامع البیان فی تفسیر القرآن)، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۲ ق.
۱۵. طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال (رجال الکشی)، تحقیق سیدمهدی رجائی، قم، آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۰۴ ق.
۱۶. عاملی جعی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، کشف الریبه، بی جا، دار المرتضوی للنشر، ۱۳۹۰ ق.
۱۷. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
۱۸. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، المکتبه العلمیه، ۱۳۸۰ ق.
۱۹. قزوینی، مجتبی، بیان الفرقان فی توحید القرآن، تعلیقات سیدجعفر سیدان، ۱۳۸۹ ش.
۲۰. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، تحقیق سیدطیب موسوی جزایری، قم، دار الکتاب، ۱۳۶۷ ش.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، چاپ دوم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۹ ق.
۲۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار (علیهم السلام)، تحقیق دار احیاء التراث العربی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ ق.
۲۳. همو، مرآة العقول، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰ ش.
۲۴. محمدی ری شهری، محمد، دانش نامه عقاید اسلامی، قم، دار الحدیث، ۱۳۸۵ ش.
۲۵. همو، موسوعة معارف الكتاب والسنة، قم، دار الحدیث، ۱۳۹۰ ش.

۲۶. همو، *میزان الحکمه*، قم، دار الحديث، ۱۳۷۵ ش.
۲۷. همو، *نهج الذکر*، قم، دار الحديث، ۱۴۲۸ ق.
۲۸. نصرتی، شعبان، *معناشناسی علم در قرآن با تأکید بر حوزه‌های معنایی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم حدیث، ۱۳۹۰ ش.
۲۹. نوری، میرزا حسین، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، تحقیق مؤسسه آل البيت علیهم‌السلام، قم، آل البيت علیهم‌السلام، ۱۴۰۸ ق.
۳۰. ورام بن ابی فراس، ابوالحسین، *تنبيه الخواطر و نزهة النواظر (مجموعه ورام)*، بیروت، دار التعارف و دار صعب، ۱۳۷۶ ق.
۳۱. هاشمی رفسنجانی، اکبر و همکاران، *فرهنگ قرآن*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹ ش.